

بررسی ملاک‌ها و کیفیت دوستی در کودکان و نوجوانان دختر*

الهه حجازی

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران

زهره ظهروند

کارشناس ارشد پژوهشکده تعلیم و تربیت

چکیده

پژوهش حاضر ملاک‌ها و کیفیت دوستی و روند تحول آن را در بین کودکان و نوجوانان دختر مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین منظور ۱۷۱ دانش‌آموز دختر از سه دوره تحولی کودکی میانی ($n=47$)، اوایل نوجوانی ($n=68$) و اواخر نوجوانی ($n=56$) در دو منطقه آموزشی شهر تهران مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها از طریق دو پرسشنامه ملاک‌ها و کیفیت دوستی و اطلاعات جامعه‌سنجی به دست آمد. نتایج نشان می‌دهند ملاک‌های انتخاب دوست در بین کودکان و نوجوانان به تدریج از ویژگی‌های بیرونی، قابل مشاهده و عینی به طرف ویژگی‌های روانی‌تر و انتزاعی‌تر تحول می‌یابد. هم‌چنین در اواخر نوجوانی در مقایسه با کودکی میانی، مجاورت فیزیکی در دوستی افزایش قابل ملاحظه‌ای می‌یابد. علاوه بر آن، دوستی در بین نوجوانان در اواخر نوجوانی در مقایسه با اوایل نوجوانی و کودکی میانی دارای پایداری و ثبات بیشتری بوده و تقابل در دوستی بیشتر مشاهده می‌شود. کودکان و نوجوانان دختر در پژوهش حاضر در هر سه دوره تحول به دوست خود اعتماد داشتند و از ارتباطات خود احساس رضامندی دارند، ولی آنان کمتر با دوستان خود «درددل» (خودفاش‌سازی) می‌کنند. واژگان کلیدی: شناخت اجتماعی، کیفیت دوستی، ملاک‌های دوستی.

بخشی از این پژوهش در مقاله‌ای تحت عنوان "رابطه بین کیفیت دوستی و روش مقابله با فشارهای روانی" در

مجله پژوهش‌های روان‌شناختی (دوره ۶، شماره ۱ و ۲، زمستان ۱۳۷۹) ارایه شده است.

امروزه بررسی تحول شناخت اجتماعی و ابعاد آن حوزه وسیعی از مطالعات را شامل می‌شود. شناخت اجتماعی به چگونگی مفهوم سازی کودک از دیگران و چگونگی درک افکار، احساسات، نیات و دیدگاه دیگری مربوط می‌شود (شانتز^۱، ۱۹۷۵). فرایندهای شناخت اجتماعی فرد را در پیش‌بینی رفتار دیگران، کنترل بر رفتار خود و در نتیجه تنظیم تعاملات اجتماعی توانا می‌سازد (اسلومکوسکی و دان^۲، ۱۹۹۶).

تعامل با همسالان به عنوان یکی از نمودهای تعامل اجتماعی نقش اساسی در تحول شناخت اجتماعی دارد. بنابر دیدگاه پیازه (۱۹۷۰)، به نقل از ماسن و همکاران (۱۳۶۸) همسالان در رهایی فرد از تفکر خود محورانه نقش مهمی دارند و با رهایی کودک از خودمحوری، تمرکززدایی ذهنی و با درک دیدگاه دیگران، روابط با همسالان از شکل تعامل ساده و زودگذر خارج می‌شود و به منزله تعاملاتی نسبتاً پایدار در ذهن فرد نقش می‌بندد.

تحول روابط با همسالان و شکل‌گیری مفهوم دوستی در بین کودکان و نوجوانان موجد بسیاری از پژوهش‌ها در این زمینه بوده است (از جمله: لاگیپا^۳، ۱۹۷۵ به نقل از دامون ۱۹۸۳ و ۱۹۸۰؛ بیجلو، ۱۹۷۷ به نقل از ماسن ۱۹۶۸؛ بل^۴، ۱۹۸۱، سلمن^۵؛ ۱۹۸۰؛ کلارک و آیرز^۶، ۱۹۸۸، ۱۹۹۱؛ ایندریتزن پیزرک و فستر^۷، ۱۹۹۰ و فرانکل^۸، ۱۹۹۰).

هارتاپ (۱۹۸۳) بیان می‌دارد در طی ۶ ماهه اول زندگی رفتارهای اجتماعی بسیار اندک است و ارتباط اکثریت نوزادان با بزرگسالان معمولاً یک طرفه است و تعامل اجتماعی بیش از چند ثانیه به طول نمی‌انجامد. روابط با همسالان از سه سالگی به بعد در زندگی کودک اهمیت می‌یابد. اگر چه این روابط در خردسالان به دلیل عدم رهایی از خودمحوری و عدم درک دیدگاه دیگری، خود محورانه و یک جانبه است (بل، ۱۹۸۱). با ورود کودک به مدرسه روابط با همسالان گسترش می‌یابد؛ به طوری که رفتارهای

1. shantz

2. Slomkowski & Dunn

3. Bigelou & Lagaipa

4. Bell

5. Selman

6. Clark & Ayers

7. Inderbitzen, Pisan & Foster

8. Frankel

اجتماعی مانند شریک شدن و سایر اشکال نودوستی افزایش می‌یابد (هارتاپ، براوی و نیوکاپ^۱، ۱۹۸۱، به نقل از ماسن و همکاران ۱۳۶۸). اگر چه تعامل بین همسالان در دوره کودکی میانی به تدریج وسیع‌تر می‌شود، با توجه به سطح تحول شناختی کودک روابط هنوز از ثبات و استحکام لازم برخوردار نیست و تنها در اواخر این دوره است که روابط با همسالان به شکل پایدارتر خود نزدیک می‌شود.

ترنر و هلمز^۲ در بررسی‌های خود دریافتند با افزایش نیاز نوجوان به شناخته و پذیرفته شدن در نزد دیگری، گروه همسالان نیز به منزله عاملی اساسی در فرآیند اجتماعی شدن و با توجه به کاهش وابستگی نوجوانان به خانواده، دوستی در این دوره با دوام‌تر، مستحکم‌تر و عمیق‌تر می‌شود. ارتباط دوستانه در زندگی نوجوانان، به ویژه دختران، در اوایل نوجوانی نقش کلیدی و مهمی را ایفا می‌کند (برنت و ادر،^۳ ۱۹۸۳، به نقل از فرانکل ۱۹۹۰).

اما تعامل با همسالان چگونه منجر به دوستی می‌شود؟ اغلب مطالعات در پاسخ گویی به این پرسش از مصاحبه با کودکان و نوجوانان در باره ادراک دوستی سود جسته‌اند. در این قبیل پژوهش‌ها از کودکان خواسته شده است به پرسش‌هایی مانند: "یک دوست چه کسی است؟ چگونه برای خود دوست پیدا می‌کنید؟ و چگونه می‌فهمید یک نفر دوست شما محسوب می‌شود؟" پاسخ دهند. بررسی مطالعات انجام شده در این باره نشان می‌دهد در ضمن تحول مفهوم دوستی در نزد کودکان و نوجوانان ملاک‌های انتخاب دوست و کیفیت دوستی در این گونه ارتباطات نیز تحول می‌یابد.

سلمن (۱۹۸۰) بر اساس بررسی‌های خود دریافت تحول مفهوم دوستی به وسیله ارزیابی واکنش‌های کودکان در شش برآیند کلیدی، که در حوزه واکنش بین فردی مطرح می‌شوند، قابل بررسی است. این شش برآیند عبارتند از: پدیدآیی دوستی، نزدیکی و صمیمیت، اعتماد، حسادت، تضادها و کشمکش‌ها و نتایج آن و بالاخره خاتمه دوستی. به این ترتیب سلمن (۱۹۸۰) پنج مرحله را در تحول دوستی متمایز ساخت: ۱. مرحله

صفر یا همبازی‌های فیزیکی زودگذر^۱ (۳-۷ سالگی)؛ ۲. مرحله اول همیاری یک طرفه^۲ مشارکت نیم راه^۳ (۹-۱۱ سالگی)؛ ۴. مرحله سوم، صمیمیت و ارتباطات متقابل^۴ (۱۰-۱۲ سالگی) و ۵. مرحله چهارم، دوستی‌های وابسته خودکار^۵ (۱۴-۱۲ سالگی). ویژگی اصلی مرحله صفر آن است که ارتباط دوستی به وسیله خویشاوندی و مجاورت فیزیکی تشخیص داده می‌شود. تضادها و کشمکش‌ها در این دوره بر سر اسباب بازی‌ها، مکان‌ها و فضاها بازی است و کمتر احساسات بین فردی را شامل می‌شود. ملاک برقراری ارتباطات بین همسالان در ۵ تا ۷ سالگی سهیم شدن در اسباب بازی‌ها و خوراکی‌ها است. در همین مورد دامون^۶ (۱۹۸۳) و یونیس (۱۹۸۰)، به نقل از ایندر بیتزن - پیزرک و فستر، (۱۹۹۰) در بررسی‌های خود دریافتند در ۷ و ۶ سالگی کودکان دوستان صمیمی خود را کسانی می‌دانند که در فعالیت‌های بدنی و فیزیکی و بازی‌ها با آنان مشارکت دارند.

از دیدگاه سلمن (۱۹۸۰) مرحله اول در تحول دوستی، مرحله همیاری یک طرفه است. در این مرحله کودک احساس می‌کند به دیگران نیاز دارد و به این ترتیب اهداف و انتظارات متقابل در روابط مطرح می‌شود. بنا بر نظر دامون (۱۹۸۳) کودکان در این مرحله دوستان خود را کسانی می‌دانند که به آنان کمک می‌کند و با آن‌ها علایق مشترک دارند. ایپستین^۷ (۱۹۸۳)، به نقل از اسپرینتال و کلنیز^۸ (۱۹۹۵) نیز بر اساس پژوهش خود بیان کرد دانش‌آموزان پایه چهارم و پنجم دبستان بر فعالیت‌های مشترک و شباهت‌ها در دوستی تاکید دارند و به همین دلیل فعالیت‌های مشابه در اوقات فراغت را یکی از ملاک‌های دوستی می‌دانند.

مرحله دوم در تحول دوستی، مرحله مشارکت نیم راه است (۹-۱۱ سالگی) در این

1-momentary physicalistic playmateship

2-one way assistance

3-fair weather cooperation

4-intimate and mutually shared relationships

5.actonomous interdependent friendships

6-Damon

7-Epistin

8-Sprinthall & Collins

مرحله فرآیند دوستی موقعیتی ناپایدار است و معمولاً با تضاد و کشمکش متزلزل می‌شود. بنا بر نظر سلمن (۱۹۸۰) هر چند در این مرحله کودک در روابط بین فردی آگاهی جدیدی از تقابل را دریافت کرده و دوستی را فرایندی دو جانبه ادراک می‌کند، دوستی تقابلی هنوز شکل نگرفته است.

از نظر سلمن (۱۹۸۰) در مرحله سوم از تحول دوستی است که تاکید بر دوستی‌های دو نفری شدت می‌یابد. در این مرحله که با شروع دوره نوجوانی همراه است، دوستی‌ها به صورت انحصاری رشد می‌یابد و دوستی با تحقق ارتباطات صمیمانه‌ای پدیدار می‌شود که اغلب تشکیل، ابقا و نگهداری آن برای نوجوانان بسیار دشوار است. دامون (۱۹۸۳) در باره این مرحله بیان می‌دارد در این دوران نوجوانان دوستان خود را بر این اساس ارزیابی می‌کنند که می‌توانند با آنان درونی‌ترین افکار، احساسات و رازهایشان را در میان بگذارند. به عبارت دیگر، خودفاش‌سازی^۱ یکی از ملاک‌های دوستی در این مرحله است. علاوه بر آن، در این مرحله نوجوانان معیارهای بالایی برای اخلاق متعارف^۲ (ویژگی‌های شخصیتی و صفات اخلاقی مثبت) دارند، ولی به تدریج و با افزایش سن متوجه می‌شوند که بسیاری از همسالان قادر نیستند به ایده‌های آنان جامه عمل بپوشانند. از این رو، آنان می‌کوشند در انتخاب دوست افرادی را که از نظر اخلاق متعارف در سطوح پایین‌تری نسبت به آن چه مورد انتظارشان قرار دارند، جایگزین کنند (کلارک و آیرنر، ۱۹۹۱). بیجلو (۱۹۷۷)، به نقل از ماسن، (۱۹۹۰) تاکید بر اخلاق متعارف را در این مرحله ناشی از ویژگی اصلی اوایل دوره نوجوان، یعنی مورد پسند بودن (شخصیت تحسین برانگیز) در فرایند دوستی می‌داند. در این مرحله حمایت و کمک نیز به عنوان ملاک‌های دوستی مطرح شوند (برنت وادر، ۱۹۸۱)، به نقل از دامون، (۱۹۸۳).

بنا بر دیدگاه سلمن (۱۹۸۰) در آخرین مرحله از تحول دوستی، دوستی‌های وابسته خودکار شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، توانایی برقراری تعادل میان استقلال و وابستگی عاطفی در نوجوانان بیشتر می‌شود و نوجوان با ایجاد دوستی‌های نزدیک برای دریافت حمایت عاطفی و به دست آوردن احساس خودشناسی از طریق همانند سازی تلاش

می‌کند. بیجلو (۱۹۷۷)، به نقل از ماسن (۱۹۹۰) ویژگی‌های مهم دوستی در این مرحله را وفاداری، صداقت، تعهد، صمیمیت، علایق مشترک و تقابل می‌داند. درد دل کردن (خودفاش‌سازی) نیز با دوستی‌های این مرحله همراه است و معمولاً در ارتباطاتی یافت می‌شود که دوست داشتن تقابلی (دو طرفه) وجود دارد (کلارک و آیرز، ۱۹۹۱). از نظر کلارک و آیرز (۱۹۹۳) نزدیکی و مجاورت فیزیکی نیز عامل مهمی در دوستی‌های این مرحله به شمار می‌رود. آن گونه که گروه‌های دو عضوی تقابلی در مقایسه با غیر تقابلی‌ها، تماس بیشتری با یکدیگر دارند.

پژوهش‌های انجام شده در خصوص تحول مفهوم و کیفیت دوستی در کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد تحول دوستی مسیری از بیرون به درون و از مفاهیم قابل مشاهده به مفاهیم روانی و انتزاعی‌تر دارد و به همراه تحول شناختی کودک فرایند دوستی مستحکم‌تر، ژرف‌تر و با دوام‌تر می‌شود. نکته مهم در تحول ملاک‌ها و کیفیت دوستی آن است که با افزایش سن، اگر چه کودکان انتظارات جدیدی را به دست می‌آورند، از انتظارات قبلی دست نمی‌کشند. زیرا انتظارات جدید از دانش کودک نسبت به تعاملات قبلی ایجاد شده است (بیجلو، ۱۹۷۷، به نقل از ماسن و همکاران ۱۳۶۸)

پژوهش حاضر با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه تحول دوستی، به بررسی ملاک‌ها و کیفیت دوستی و روند تحولی آن در بین کودکان و نوجوانان دختر شهر تهران (سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴) می‌پردازد. اهداف اساسی این پژوهش عبارتند از:

۱. شناخت و مقایسه ملاک‌های دوستی در بین کودکان و نوجوانان در سه دوره

تحولی کودکی میانی، اوایل و اواخر نوجوانی

۲. شناخت و مقایسه کیفیت دوستی در بین کودکان و نوجوانان در پنج زمینه:

مجاورت فیزیکی، تقابل، خودفاش‌سازی، رضایت مندی و اعتماد.

روش

طرح پژوهشی حاضر توصیفی و از نوع طرح‌های تحولی است.

آزمودنی‌ها

۱۷۱ نفر دانش‌آموز دختر مدارس شهر تهران در سه دوره تحولی کودکی میانی (سوم ابتدایی ۴۷ نفر) اوایل نوجوانی (دوم راهنمایی، ۶۸ نفر) و اواخر نوجوانی (سوم دبیرستان، ۵۶ نفر) آزمودنی‌های پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. ابتدا ۶ مدرسه از دو منطقه مرکزی آموزش و پرورش شهر تهران (به جهت کنترل عوامل فرهنگی و اجتماعی) به صورت تصادفی انتخاب شدند (دو مدرسه ابتدایی، دو مدرسه راهنمایی و دو دبیرستان). سپس از هر مدرسه یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. کلیه دانش‌آموزان هر کلاس، آزمودنی‌ها پژوهش را تشکیل می‌دهند.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش از سه نوع ابزار اندازه‌گیری استفاده شد:

۱- پرسشنامه باز- پاسخ، برای بررسی ملاک‌های دوستی. پرسشنامه مذکور حاوی دو پرسش است. در پرسش اول آزمودنی‌ها نام بهترین دوست خود را در کلاس مشخص و در پرسش دوم علت انتخاب فرد مذکور را به عنوان بهترین دوست خود در حداقل ۶ مورد عنوان می‌کنند. پاسخ‌های آزمودنی‌ها تحت ۱۵ مقوله کد گذاری شد که عبارتند از: مجاورت، سهیم شدن در خوراکی‌ها، جذابیت ظاهری، شباهت، مورد تحسین بودن، سازگاری و عدم کشمکش، صداقت، تعهد و وفاداری، وابستگی عاطفی، حمایت و کمک متعارف، رازداری، صمیمیت اعتماد و همدلی، ویژگی‌های مذهبی، ویژگی‌های شناختی و ویژگی‌های خانوادگی. برای بررسی اعتبار کد گذاری از روش کد گذاری توسط دو فرد مختلف استفاده شد. میزان همبستگی بین دو کد گذاری ۸۹/۶۸ درصد بوده است.

۲- آزمون گروه سنجی^۱. این آزمون به منظور تعیین میزان تقابل در دوستی اجرا شد.

۳- پرسشنامه محقق ساخته بررسی کیفیت دوستی. این پرسشنامه دارای ۱۴ پرسش می‌باشد که ۴ کیفیت مجاورت، خودفاش سازی، رضایتمندی و اعتماد را در دوستی مورد سنجش قرار می‌دهد.

تهیه پرسشنامه مذکور در چند مرحله انجام شد: در مرحله نخست، بر اساس پیشینه پژوهش با تعدادی از کودکان و نوجوانان (به غیر از گروه نمونه) مصاحبه‌هایی برای بررسی کیفیت دوستی صورت پذیرفت. در مرحله دوم بر اساس نتایج مصاحبه، پرسشنامه اولیه با ۲۰ پرسش تدوین و در ۳ کلاس در سه دوره تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) اجرا شد. پاسخ‌های آزمودنی‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از روش تحلیل عاملی استفاده شد. بر اساس نتایج تحلیل عاملی ۶ پرسش به علت عدم ارتباط با بقیه پرسش‌ها و معنا دار نبودن ضریب همبستگی حذف شدند. روش تحلیل عاملی مشخص کرد که ۱۴ پرسش باقی مانده ۴ عامل را مورد سنجش قرار می‌دهد: مجاورت با ۴ پرسش، خود فاش سازی با ۲ پرسش، رضایتمندی با ۵ پرسش و اعتماد با ۳ پرسش.

جدول ۱. بار عاملی پرسش‌ها در عوامل چهارگانه

شماره پرسش	مجاورت فیزیکی	خود فاش سازی	رضایتمندی	اعتماد
۱	* / ۸۱	- / ۱۲	۰ / ۱۱	۰ / ۰۹
۲	* / ۸۸	- / ۱۲	۰ / ۰۶	- / ۰۷
۳	* / ۸۹	- / ۲۶	۰ / ۱۱	- / ۰۷
۴	* / ۴۳	- / ۳۲	۰ / ۲۹	- / ۱۴
۵	۰ / ۲۳	- / ۸۹*	- / ۱۱	۰ / ۰۶
۶	۰ / ۱۷	- / ۸۸*	۰ / ۱۵	۰ / ۰۲
۷	- / ۰۴	- / ۰۱	۰ / ۴۹*	۰ / ۲۵
۸	۰ / ۲۵	- / ۱۹	۰ / ۶۳*	۰ / ۱۶
۹	۰ / ۰۷	- / ۲۱	۰ / ۷۴*	۰ / ۲۴
۱۰	۰ / ۱۲	- / ۳۴	۰ / ۷۳*	۰ / ۰۹
۱۱	- / ۰۶	- / ۱۱	۰ / ۱۶	۰ / ۷۲*
۱۲	- / ۱۲	۰ / ۰۱	۰ / ۳۴	۰ / ۷۵*
۱۳	- / ۰۲	- / ۱۱	۰ / ۳۱	۰ / ۸۵*
۱۴	۰ / ۰۷	- / ۱۱	۰ / ۷۰*	۰ / ۴۱

* تحلیل عاملی با استفاده از چرخش اولیمن^۱ انجام شده است. پرسش‌های ستاره‌دار که بار عاملی بالاتر از ۰/۴ دارند، برای هر عامل انتخاب شده‌اند.

با توجه به شیوه پاسخگویی به پرسشنامه (لیکرت ۵ گزینه‌ای) پرسش‌ها از صفر تا ۴ نمره گذاری شدند.

تحلیل آماری

برای بررسی میزان همخوانی ملاک‌های انتخاب بهترین دوست در سه دوره تحولی از آزمون مجذور خی دو استفاده شد. هم‌چنین برای بررسی تفاوت بین کودکان و نوجوانان در سه دوره تحولی (کودکی میانی، اوایل نوجوانی و اواخر نوجوانی) در کیفیت دوستی آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیری 5×3 (سه دوره تحولی $5 \times$ کیفیت دوستی) مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

ملاک‌ها انتخاب دوست در بین کودکان و نوجوانان

جدول ۲ فراوانی و درصد و میزان همخوانی ملاک‌های انتخاب دوست را در بین دانش‌آموزان دختر در سه دوره تحولی نشان می‌دهد.

جدول ۲. فراوانی، درصد و میزان همخوانی ملاک‌های انتخاب دوست در بین کودکان و نوجوانان در سه دوره تحولی

P	X^2	دبیرستان $n=56$		راهنمایی $n=68$		ابتدایی $n=47$		ملاک‌های انتخاب دوست
		فراوانی درصد		فراوانی درصد		فراوانی درصد		
***	55/54	0	0	0	0	8/4	20	مجاورت فیزیکی
***	37/81	0/4	1	0/5	2	7/6	18	سهیم شدن در خوراکی‌ها و فعالیت‌ها
	2/86	3/6	10	3	11	1/3	3	جذابیت ظاهری
**	11/07	4	11	1/6	6	0	0	شباهت
**	9/97	2	6	3/5	13	7/6	18	مورد تحسین بودن
***	47/05	0/7	2	1/6	6	11/3	27	سازگاری و عدم کشمکش
***	43/99	18/5	51	9/7	36	0/8	2	صداقت، تعهد و وفاداری
	3/74	1	3	3	11	1/3	3	وابستگی عاطفی
	3/32	12	33	9	34	13/9	33	حمایت و کمک
	0/98	34	93	33	122	30	70	اخلاق متعارف
*	4/90	4/7	13	3/5	13	1/3	3	رازداری
*	7/78	7/2	20	8/6	32	3	7	صمیمیت، اعتقاد و همدلی
***	17/66	3	9	11	40	4/2	10	ویژگی‌های مذهبی
	3/00	7	19	10	38	7	17	ویژگی‌های شناختی
	0/65	2	5	1/6	6	2/5	6	ویژگی‌های خانوادگی

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد در هر سه دوره تحولی اخلاق متعارف بالاترین ملاک انتخاب دوست در بین کودکان و نوجوانان بوده است.

هم‌چنین ملاک شباهت در دوره کودک میانی و مجاورت فیزیکی در دوره‌های اوایل نوجوانی و اواخر نوجوانی کمترین فراوانی را در ملاک‌های انتخاب بهترین دوست در بین آزمودنی‌ها داشته است.

بنابر نتایج، حمایت و کمک، سازگاری و عدم کشمکش در دوره کودکی میانی، صداقت، تعهد و وفاداری ویژگی‌های مذهبی و شناختی در دوره اوایل نوجوانی، صداقت، تعهد و وفاداری و حمایت و کمک در اواخر نوجوانی از جمله ملاک‌های مهم در انتخاب دوست بوده‌اند.

جدول ۲ هم‌چنین میزان همخوانی ملاک‌های انتخاب بهترین دوست را در بین کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد. همان‌طور که مشهود است بین گروه‌های سنی مختلف در ملاک‌های مجاورت فیزیکی، سهیم‌شدن در خوراکی و فعالیت‌ها، شباهت، مورد تحسین بودن، سازگاری و عدم کشمکش، صداقت، تعهد و وفاداری، رازداری، صمیمیت و اعتماد و همدلی و ویژگی‌های مذهبی همخوانی وجود ندارد.

ابعاد کلی ملاک‌های انتخاب دوست

ملاک‌های ۱۵ گانه انتخاب بهترین دوست در ۴ بعد کلی فیزیکی، روانی، اجتماعی و شناختی - مذهبی طبقه‌بندی شد. جدول ۳ فراوانی، درصد و میزان همخوانی ملاک‌های انتخابی بهترین دوست را در بین آزمودنی‌ها در ۴ بعد فوق نشان می‌دهد.

بنابر مندرجات جدول ۳ بالاترین بعد کلی ملاک‌های انتخاب بهترین دوست در بین کودکان و نوجوانان در هر سه دوره تحولی، بعد روانی می‌باشد. بعد فیزیکی در دوره کودکی میانی، بعد شناختی - مذهبی در دوره اوایل و اواخر نوجوانی پس از بعد روانی در انتخاب بهترین دوست اهمیت می‌یابند.

هم‌چنین آزمون مجذور خی نشان می‌دهد در هر چهار بعد فیزیکی، روانی اجتماعی و شناختی و مذهبی ملاک‌های انتخاب بهترین دوست در بین گروه‌های همخوانی وجود ندارد.

جدول ۳. فراوانی، درصد و میزان همخوانی ابعاد کلی ملاک‌های انتخاب بهترین دوست در بین کودکان، نوجوانان دختر در سه دوره تحولی

P	X ²	دبیرستان		راهنمایی		ابتدایی		ابعاد ملاک‌های
		فراوانی درصد	۴	۱۱	۳/۵	۱۳	۱۷/۳	
**	۴۶/۶۶	۴	۱۱	۳/۵	۱۳	۱۷/۳	۴۱	فیزیکی
**	۲۶/۹۲	۸۱/۹	۲۲۶	۷۰/۲	۲۶۰	۶۱/۳	۱۴۶	روانی
*	۹/۳۴	۴	۱۱	۵/۲	۱۹	۱۰/۱	۲۴	اجتماعی
**	۱۸/۲۴	۱۰/۱	۲۸	۲۱/۱	۷۸	۱۱/۳	۲۷	شناختی و مذهبی

**P < ۰/۰۰۱ *P < ۰/۰۱

بررسی کیفیت دوستی در بین کودکان و نوجوانان پنج عامل مجاورت فیزیکی، خودفاش‌سازی، رضایتمندی، اعتماد و تقابل در کیفیت دوستی مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۴ میانگین و انحراف استاندارد آزمون کیفیت دوستی را در سه دوره تحولی نشان می‌دهد.

جدول ۴. میانگین و انحراف استاندارد آزمون کیفیت دوستی در سه دوره تحولی

تقابل	اعتماد		رضایتمندی		خودفاش‌سازی		مجاورت فیزیکی		کیفیت دوستی مقطع تحصیلی	
	SD	\bar{X}	SD	\bar{X}	SD	\bar{X}	SD	\bar{X}		
۲۷/۱۳	۴۵/۷۰	۱/۰۷	۱۱/۴۷	۳/۳۸	۲۰/۶۰	۳/۵۵	۶/۲۳	۳/۰۵	۳/۴۵	ابتدایی
۲۶/۵۴	۴۵/۲۸	۲/۷۰	۱۰/۷۸	۴/۵۸	۲۰/۱۵	۴/۱۳	۷/۴۲	۳/۶۸	۴/۸۸	راهنمایی
۳۱/۱۹	۶۱/۶۵	۱/۸۶	۱۰/۹۴	۵/۰۹	۱۸/۶۱	۳/۳۷	۶/۱۱	۴/۲۴	۶/۸۶	دبیرستان
۲۹/۱۹	۵۰/۹۱	۲/۰۷	۱۱/۰۳	۴/۵۰	۱۹/۷۶	۳/۷۴	۶/۶۵	۳/۹۰	۵/۲۲	کل

آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیری برای بررسی تفاوت بین گروه‌ها انجام شد. در سه آزمون پیلایس^۱ - هتلینگر^۲ - ویلکز^۳ بردار کیفیت دوستی در سطح $P < 0/001$ برای ۳ گروه سنی معنادار بوده است.

با توجه به معنادار بودن آزمون تحلیل واریانس چند متغیری، تحلیل واریانس تک متغیری روی هریک از متغیرها انجام شد. نتایج تحلیل اخیر در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. تحلیل واریانس تک متغیری روی عوامل پنج‌گانه کیفیت دوستی

شماره عوامل	عنوان عامل	SS آزمایشی	SS خطا	MS آزمایشی	MS خطا	F مشاهده شده	سطح معناداری
۱	مجاورت فیزیکی	۱۸۵/۵۷	۱۳۴۳/۱۵	۹۲/۷۸	۱۳/۳۰	۶/۹۸	##0/001
۲	خودفاش‌سازی	۴۴/۸۴	۱۴۰۱۶۸	۲۲/۴۲	۱۳/۸۸	۱/۶۱	0/204
۳	رضایتمندی	۴۲/۵۴	۲۱۲۲/۷۰	۲۱/۲۷	۲۰/۰۳	۱/۰۶	0/350
۴	اعتماد	0/۷۷	۴/۳۶	۳/۳۴	۴۳۹/۹۹	۶/۶۸	0/467
۵	تقابل	۷۲۲۹/۵۶	۷۶۸۵۴/۵۶	۳۶۱۴/۷۵	۷۶۰/۹۴	۴/۷۵	##0/011

df(۲و۱۰۱) *P < 0/01 **P < 0/001

یافته‌ها نشان می‌دهد که اثر اصلی کیفیت دوستی و گروه‌ها فقط در عامل‌های مجاورت فیزیکی و در سطح $P < 0/001$ و تقابل ($P < 0/05$) معنادار است. لذا، برای بررسی تفاوت بین گروه‌ها از آزمون توکی استفاده شد. آزمون توکی نشان داد بین دانش‌آموزان دوره متوسطه (اواخر نوجوانی) و دانش‌آموزان دوره ابتدایی (کودکی میانی) در عامل مجاورت فیزیکی تفاوت معنادار (در سطح $P < 0/05$) وجود دارد. هم‌چنین در عامل تقابل در دوستی نیز بین گروه دانش‌آموزان دوره متوسطه (اواخر نوجوانی) و دانش‌آموزان دوره راهنمایی (اوایل نوجوانی) تفاوت معنادار (در سطح $P < 0/05$) دیده شد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش مشخص کرد آزمودنی‌ها در دوره کودکی میانی در انتخاب بهترین دوست، بیشترین اهمیت را برای ملاک اخلاق متعارف قائل بوده‌اند. این نتایج با یافته‌های حاصل از پژوهش کلارک و آبرز (۱۹۹۱) همخوانی ندارد. آنان در پژوهش خود نشان دادند توجه به ملاک اخلاق متعارف در انتخاب دوست از کودکی میانی اهمیت یافته و در اوایل نوجوانی شدت بیشتری می‌یابد و در اواخر نوجوانی نیز از توجه به ملاک اخلاق متعارف کاسته می‌شود. در حالی‌که، در پژوهش حاضر آزمودنی‌ها در هر سه دوره تحولی در انتخاب دوست به ملاک اخلاق متعارف بیشترین توجه را داشته‌اند و آزمون مجذور خی نیز بین سه دوره تحولی تفاوت معناداری را در این زمینه نشان نداده است. از جمله مصداق‌های اخلاق متعارف که آزمودنی‌ها به آن اشاره داشته‌اند عبارت بودند از: مؤدب بودن، خوش اخلاقی، عدم حسادت، خنده‌رویی، غیبت نکردن، منطقی بودن، خوش برخورد بودن، سنجیده رفتار کردن، مهربان بودن و دختر خوب بودن.

به نظر می‌رسد، توجه آزمودنی‌ها در هر سه دوره تحولی به ملاک اخلاق متعارف را می‌توان به بار ارزشی و عاطفی مفهوم دوستی و تمایل آزمودنی‌ها به بیان ویژگی‌های اخلاقی مثبت در معرفی بهترین دوست خود نسبت داد.

هم‌چنین به نظر می‌رسد، توجه بسیار زیاد آزمودنی‌ها در هر سه دوره تحولی، به ویژه اواخر نوجوانی، به ملاک اخلاق متعارف در پژوهش حاضر، متأثر از عامل فرهنگی نیز باشد. باورهای خانواده در رفتار و نگرش کودکان و نوجوانان اثر مشهودی دارد. جو سنتی و مذهبی خانواده‌های ایرانی و تأکید بسیار والدین بر ویژگی‌های اخلاقی (همچون با ادب بودن، مهربانی، خوش اخلاقی و خوب بودن) در ارزش‌گذاری‌های افراد باعث می‌شود که کودکان نیز برای برقراری ارتباط با دیگران از ملاک‌های فوق بهره گیرند (یا حداقل در میان خود اظهار کنند).

از جمله ملاک‌های دیگری که آزمودنی‌ها در دوره کودکی میانی در انتخاب بهترین دوست خود مورد توجه قرار داده‌اند، ملاک‌های حمایت، کمک و سازگاری و عدم کشمکش بوده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های یونیس (۱۹۷۸) بیجلو لاگیبا (۱۹۸۰) به نقل از دامون، (۱۹۸۳)، برنت (۱۹۸۱) و سلمن (۱۹۸۰) همخوانی دارد.

سلمن (۱۹۸۰) در مرحله اول از مرحله تحولی دوستی (۷-۹ سالگی) معتقد است دوستی برای کودکان یک نیاز است و همین احساس نیاز باعث ایجاد و تداوم دوستی می‌شود. هم‌چنین در این مرحله، اهداف و انتظارات متقابل نیز اهمیت می‌یابد. ملاک حمایت و کمک در برگیرنده ویژگی‌های یادشده می‌باشد. آزمودنی‌ها در دوره کودکی میانی به ملاک‌های مجاورت فیزیکی و سهیم شدن در خوراکی‌ها و فعالیت‌ها نیز توجه نسبتاً زیادی نشان داده‌اند. اگر چه سلمن (۱۹۸۰) دریافت ملاک مجاورت فیزیکی و سهیم شدن در خوراکی‌ها و فعالیت‌ها در مرحله صفر (۳-۷ سالگی) در روابط بین همسالان برای کودکان اهمیت اساسی می‌یابد، ولی همان‌طور که برنت (۱۹۸۱) باور دارد مفاهیم اولیه دوستی (مثل سهیم شدن در خوراکی‌ها و فعالیت‌ها) با ظهور ویژگی‌های جدید دوستی مثل اهداف و انتظارات متقابل در نزد کودک از بین نمی‌روند؛ بلکه مفاهیم قبلی هنوز در تفکر کودکان وجود دارد. از سوی دیگر، توجه نسبتاً بالای آزمودنی‌ها به موارد فوق می‌تواند بیانگر اهمیت قائل شدن کودکان به ملاک‌های بیرونی، قابل مشاهده و ظاهری نیز باشد، هم‌چنان‌که آزمودنی‌ها در کودکی میانی توجه کمتری به اسنادهای روان‌شناختی مثل صداقت، تعهد و وفاداری داشته‌اند.

توجه نسبتاً زیاد آزمودنی‌ها در دوره کودکی میانی به ملاک "مورد تحسین بودن" در انتخاب بهترین دوست نیز با یافته‌های بیجلو (۱۹۷۷) همخوانی دارد.

آن‌چه به طور کلی در ملاک‌های انتخاب بهترین دوست در بین آزمودنی‌ها در دوره کودکی میانی مشاهده شد ارتباط دادن اکثر ویژگی‌ها و ملاک‌ها «با خود» است. (به طور مثال با من مهربان است به من در درس‌ها کمک می‌کند و ...) به نظر می‌رسد، این موضوع ناشی از عدم رهایی کودکان از خود محوری باشد، به طوری‌که کودکان هنوز خود را محور تمام امور حتی تعاملات اجتماعی می‌دانند.

آزمودنی‌ها در دوره اوایل نوجوانی (مقطع راهنمایی) در انتخاب بهترین دوست خود، بیشترین اهمیت را به ملاک اخلاق متعارف داده‌اند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کلارک و آیرز (۱۹۹۱) همخوانی دارد. آزمودنی‌ها در دوره اوایل نوجوانی هم‌چنین اهمیت بسیاری برای ملاک‌های ویژگی‌های مذهبی و شناختی در انتخاب بهترین دوست قائل بوده‌اند. در بررسی پژوهش‌های انجام شده به ملاک‌های فوق در انتخاب دوست اشاره‌ای نشده است. به نظر می‌رسد، توجه آزمودنی‌ها به ویژگی‌های مذهبی، علاوه بر

گرایش نوجوانان در اوایل نوجوانی به مذهب، متأثر از باورهای اجتماعی و فرهنگی نیز باشد. نوجوانان الگوهای عملی باورهای خود را در دیگران جستجو می‌کنند.

از این رو، آنان در اوایل نوجوانی ترجیح می‌دهند دوستانشان مذهبی‌تر باشند. شاید "مذهبی‌بودن" دوست را برای نوجوان از عیب و نقص مبرا سازد و بدین ترتیب اعتماد بیشتری در فرآیند دوستی حاصل می‌شود.

به نظر می‌رسد، تلقین‌های مکرر بزرگسالان در انتخاب یک دوست خوب نیز نوجوانان را در گزیدن ملاک‌های مذهبی در بهترین دوست خود هدایت کرده باشد. اگرچه ممکن است در عمل (در طی فرآیند دوستی) به این ملاک‌پای‌بند نباشد. پژوهش‌ها بیشتری در این زمینه لازم است تا به نتایج دقیق‌تر و قطعی‌تر منجر شود.

توجه بسیار آزمودنی‌ها در اوایل نوجوانی به ملاک ویژگی شناختی و عدم همخوانی با سایر پژوهش‌ها در این زمینه نیز قابل بحث و بررسی است. به نظر می‌رسد، مسئله فوق نیز ناشی از عامل فرهنگی باشد. آزمودنی‌ها در اوایل نوجوانی در موارد بسیاری بیان کرده‌اند که: دوستم فرد درس‌خوانی است، نمره خوبی می‌آورد، زرنگ و باهوش و ... موفقیت تحصیلی در کلاس باعث مقبولیت اجتماعی افراد در نزد دیگران می‌شود. هم‌چنین مطروشدن دانش‌آموزان ضعیف‌تر از نظر تحصیلی در کلاس، مدرسه و محیط اجتماعی توسط معلمان و والدین نیز سبب می‌شود که آنان افراد نالایقی در کلیه زمینه‌ها محسوب شوند. این امر خواه ناخواه در روابط با همسالان در هر سه دوره تحولی تأثیر داشته است. هر چند در اوایل نوجوانی میزان تاثیرگذاری به علت متزلزل بودن شخصیت و روحیه ایده‌آل‌گرایی نوجوان بیشتر بوده است، ملاک‌های دیگری که آزمودنی‌ها در اوایل نوجوانی در انتخاب بهترین دوست، نسبتاً به آن‌ها توجه زیادی نشان داده‌اند عبارتند از: صداقت، تعهد و وفاداری، حمایت و کمک، صمیمیت، اعتماد و همدلی. نتایج پژوهش حاضر در زمینه فوق با نتایج مطالعات لاگیبا و بیجلو (۱۹۷۵)، به نقل از دامون (۱۹۸۳) بیجلو (۱۹۷۷) به نقل از سلمن (۱۳۶۸) و سلمن (۱۹۸۰) همخوانی دارد.

به‌طور کلی، نتایج یافته‌ها در مورد ملاک‌های انتخاب دوست در دوره اوایل نوجوانی نشان داد در اوایل نوجوانی در مقایسه با دوره کودکی میانی به همراه تحول شناختی، ملاک‌های انتخاب بهترین دوست نیز انتزاعی‌تر و درونی‌تر شده می‌شود؛ به‌طوری‌که

آزمودنی‌ها به برخی از اسنادهای روان‌شناختی نیز توجه کرده‌اند. آزمودنی‌ها در اواخر نوجوانی بیشترین اهمیت در انتخاب بهترین دوست را به ملاک اخلاق متعارف داده‌اند. صرف‌نظر از ملاک فوق‌که پیشتر در مورد آن بحث شد، آزمودنی‌ها در این دوره تحولی به ملاک‌های صداقت، تعهد و وفاداری، حمایت و کمک، صمیمیت، اعتماد و همدلی نیز توجه بسیاری نشان داده‌اند.

قابل ذکر است که حمایت و کمک از دیدگاه آزمودنی‌ها در اواخر نوجوانی بیشتر شامل حمایت و کمک روانی و کمتر کمک و حمایت صرفاً مادی، که در دوره قبل به آن توجه داشته‌اند، بوده است. به عنوان مثال، نوجوانان در این دوره بیان کرده‌اند: "دوستم می‌تواند مشکلات مرا حل کند. از خودش فداکاری نشان می‌دهد و یاور همیشگی من در تمام مراحل زندگی است."

به‌طور کلی ملاک‌های انتخاب بهترین دوست در اواخر نوجوانی معطوف به ویژگی‌های روانی و انتزاعی بوده است و آنان کمتر به ویژگی‌های بیرونی مشهود و عینی توجه کرده‌اند. این نتایج هماهنگ با یافته‌های سایر پژوهش‌ها (بیجلو و لاگیبا، ۱۹۷۵؛ سلمن، ۱۹۸۰؛ برنت، ۱۹۸۱؛ دامون، ۱۹۸۳؛ کلارک و آیرر، ۱۹۸۸) بار دیگر هماهنگی سطح تحول‌شناختی را با تحول مفهوم دوستی در کودکان و نوجوانان مورد تأکید قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، نتایج تحلیل واریانس نشان داد اثر اصلی کیفیت دوستی بر گروه‌های سنی (کودکی میانی، اوایل نوجوانی و اواخر نوجوانی) فقط در عوامل مجاورت فیزیکی و تقابل معنادار است و در سه عامل دیگر، رضایتمندی، اعتماد و درددل کردن (خودفاش‌سازی) معنادار نیست. آزمون توکی نیز نشان داد در عامل مجاورت فیزیکی بین گروه سنی کودکی میانی و اواخر نوجوانی تفاوت معنادار است. به نظر می‌رسد، وجود تفاوت معنادار در عامل مجاورت فیزیکی (درکنار یکدیگر بودن یا تماس بیشتر) در دو گروه سنی کودکی میانی و اواخر نوجوانی بیانگر آن است که در دوره ابتدایی کودکان ارتباط فیزیکی کمتری با دوستان خود دارند و این ارتباطات به محیط مدرسه محدود می‌شود. در حالی که روابط دانش‌آموزان دبیرستانی با دوستان خود منحصر به مدرسه نبوده و عمدتاً به وسیله تلفن یا حضور در مکان‌های دیگر از قبیل منازل یکدیگر، کلاس‌های خارج از مدرسه و ... ادامه می‌یابد.

نتایج پژوهش حاضر در مود عامل مجاورت فیزیکی با یافته‌های کلارک و آیرز (۱۹۸۸) همخوانی دارد. آنان در پژوهش خود نشان دادند که نزدیکی و مجاورت فیزیکی عامل مهمی در دوستی نوجوانان تلقی می‌شود.

پژوهش حاضر نشان داد بین دانش‌آموزان دوره راهنمایی (اوایل نوجوانی) و دبیرستانی از نظر تقابل در دوستی تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌ها پژوهش‌های انجام شده توسط سلمن (۱۹۸۰) و فرانکل (۱۹۹۰) هماهنگ است. دوستی در بین نوجوانان در اواسط نوجوانی در مقایسه با دوره کودکی میانی و اوایل نوجوانی دارای پایداری و ثبات بیشتری است و دوطرفه بودن تعاملات نیز بر دوام آن می‌افزاید. از این رو، تقابل در دوستی در اواخر نوجوانی بیشتر به چشم می‌خورد. نتایج پژوهش فرانکل (۱۹۹۰) نشان می‌دهد دوستی‌های دوطرفه (تقابلی) بر رشد عاطفی - روانی نوجوانی در مقایسه با دوستی‌های یک طرفه غیر تقابلی سودمندتر بوده است. علاوه بر آن کلارک و آیرز (۱۹۸۸) نیز نشان دادند نوجوانانی که دوستی‌های تقابلی دارند در مقایسه با نوجوانانی که فاقد این‌گونه دوستی‌ها هستند، نسبت به ارتباطات خود تعهد و وفاداری بیشتری نشان می‌دهند. نتایج مذکور حاکی از آن است که در اواخر نوجوانی دوستی‌ها کامل‌تر و با ثبات‌تر می‌شوند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد اثر کیفیت دوستی بر دوره‌های تحولی در دو عامل رضایتمندی و اعتماد در هیچ‌یک از یک دوره‌های تحولی معنادار نیست. میانگین نمرات آزمودنی‌ها در هر یک از سه دوره تحولی نشان می‌دهد کودکان و نوجوانان نسبت به دوست خود اعتماد و از ارتباطات خود رضایتمندی زیادی دارند. این موضوع مربوط به ماهیت ارزشی دوستی و نگرش مثبت افراد نسبت به مفهوم دوستی است.

یافته‌ها همچنین نشان داد در مورد عامل درد دل کردن (خودفاش‌سازی) تفاوت معناداری بین گروه‌ها مشاهده نمی‌شود. این نتایج با پژوهش‌های لاگییا (۱۹۷۶) و کلارک و آیرز (۱۹۸۸) همخوانی ندارد. کودکان و نوجوانان دختر ایرانی در این پژوهش نشان دادند مسائل شخصی و خصوصی خود را کمتر با بهترین دوست خود در میان می‌گذارند. خودفاش‌سازی به سطح دانش فرد نسبت به خود ارتباط دارد. زمانی که فرد به نوعی تعادل در دوستی و درک درستی نیز از توانایی‌های خود دست یافت می‌تواند از مشکلات و کاستی‌های شخصی خود با دوست سخن بگوید. در اوایل نوجوانی فرد

هنوز به این درجه از درک خود نائل نیامده است، ولی در اواخر نوجوانی به تدریج می‌تواند به آن دست یازد. به نظر می‌رسد، پایین بودن سطح خودفاش‌سازی نوجوانان در پژوهش حاضر ناشی از تفاوت‌های فرهنگی باشد. باورهای فرهنگی خانواده و جامعه نوعی بازداری را در مورد درددل‌نکردن با دوستان در بین نوجوانان ایجاد می‌کند؛ به طوری که آنان اغلب از ناحیه بزرگسالان توصیه می‌شوند که رازها و مسائل شخصی خود را برای خود و خانواده محفوظ نگه‌دارند.

به‌طور کلی، نتایج یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد تحول ملاک‌های انتخاب دوست و کیفیت دوستی در راستای تحول شناختی فرد به‌وقوع می‌پیوندد و هم‌چنین تجارب فردی، فرهنگ محیط اجتماعی و باورها نیز به عنوان عوامل جهت‌دهنده می‌تواند در پدیدآیی و فرآیند دوستی اهمیت یابند. هر چند یافته‌های این مطالعه با بسیاری از پژوهش‌های انجام شده همخوانی دارد، ولی تفاوت‌هایی نیز مشاهده شده است که انجام پژوهش‌های بیشتر را به خصوص در زمینه تأثیر فرهنگ، باورها و بافت اجتماعی در تحول شکل‌گیری این‌گونه تعاملات ضروری می‌سازد. هم‌چنین با مقایسه دختران و پسران در زمینه تحول مفهوم دوستی نیز می‌توان اطلاعات وسیع‌تری را در این زمینه فراهم آورد.

مأخذ

- ماسن، پاول، هنری و دیگران (۱۳۶۸). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسائی تهران، نشر مرکز.
احدی، حسن و محسنی، نیکچهره (۱۳۷۱). روانشناسی رشد. تهران: چاپ و نشر بنیاد.
منصور، محمود و دادستان، پریرخ (۱۳۶۹). روانشناسی ژنتیک ۲. تهران: دریا.

Reference

- Bell, R. (1981). *Words of Friendship*. London.
- Berndt, T.J. & Keefe, K. (1995). Friend's influence on adolescent's adjustment to school. *Child Development*, 66, 1312 - 1329.
- Clark, M.L. & Ayers, (1988). The role of reciprocity in junior high school freindship. *Journal of youth and Adolescence*, 17(5), 403-411.
- Clark, M.L., & Ayers, M. (1991). Friendships simiilarity during early adolescence: Gender and racial patterns. *Journal of psychology*, 126 (4), 393-405.
- Clark, M.L., & Ayers, M. (1993). Friendship expectations and friendship evaluations: Reciprocity and gender effects. *Youth & society, march*, 299-313.
- Damon, W. (1983). *Social & personality Development*. W.W. Norton & company, New York, London.
- Frankel, K.N. (1990). Girl's perceptions of peer relationship support and stress. *Journal of Early Adolescence*, 10 (1), 69-88.
- Inderbitze-Pisaruk, H. & Foster. S.L. (1990). Adolescent friendship and peer acceptance: Implication for social skills training. *Clinical psychology Review*, 10, 425-439.
- LA Gaipa, J.J. (1976). A developmental study of the meaning of friendship in adolescence. *Journal of Adolescence*, 2, 201-213.
- Selman, R.L., (1980). *The Growth of Interpersonal understanding*. New York: Academic press.

- Shantz, C. U. (1975). The development of social cognition, in: E.M. Heathcington (ed), *Review of child Development Research*, vol 5. Chicago: University of Chicago press.
- Slomkowski, C, and Dunn, J. (1996). Young children's understanding of other people's beliefs and feelings and their connected communication with friends. *Developmental Psychology*, 32, 442-447.
- Sprinthall, N.A., & Collins, A.W. (1995). *Adolescent psychology, A Developmental view*. New York: MC Craw-Hill.
- Turner, S.J. & Helms, S.D. (1987). *Life span development*. New York: Holt Rinehart & Winston.